حادثه‌ها

سرقت اینترنتی از ۶هزار حساب بانکی

● **واحدمرکزی‌خبر:** اعضای باند کلاهبردار اینترنتی در همدان دستگیر شدند. جانشین فرماندهی انتظامی استان همدان گفت: اعضای این باند که چهارنفر هستند توانسته‌اند شش‌هزار حساب بانکی را در استان‌های تهران، اصفهان، مرکزی، لرستان و همدان خالی و دست‌کاری کنند. سرهنگ خرم روی، ارزش ریالی سرقت‌ها را ۲۰میلیاردریال برآورد کرد.

زورگیری با سلاح قلابی

● **باشگاه‌خبرنگاران:** مردی که با سلاح قلابی از مردم زورگیری می‌کرد، توسط پلیس شناسایی و دستگیر شد. ماموران پلیس پایتخت، حین گشت‌زنی در محدوده دروازه‌غار به خودروی پراید مشکوک شدند و در بازرسی از آن کلت کمری به همراه چاقو و مقداری شیشه کشف کردند. ماموران بلافاصله راننده خودرو را دستگیر کردند. در تحقیقات از متهم مشخص شد، سلاح کشف‌شده قلابی است. همچنین فاش شد متهم در جنوب تهران از شهروندان و دستفروشان در ساعات پایانی شب زورگیری می‌کند. سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، سرکلانتر هفتم پلیس پایتخت در این‌باره گفت: تعدادی از مالباختگان پس از حضور در کلانتری، متهم را شناسایی کردند و او برای سیر مراحل قانونی در اختیار مقام قضایی قرار گرفت.

جیب‌بری در «بی‌آرتی»

● **پلیس‌خبر:** سارق جیب‌بر که در اتوبوس‌های بی‌آرتی اقدام به سرقت می‌کرد، بازداشت شد. سرهنگ عزت‌الله معانی، رییس کلانتری نامجو در این‌باره گفت: «ماموران هنگام گشت‌زنی متوجه درگیری دوزن در یکی از اتوبوس‌های تندرو که در ایستگاه پایانی متوقف بود، شدند و به سمت آنها رفتند.» این مقام انتظامی بیان کرد: «شاکی با اشاره به زن دیگر به ماموران گفت هنگام پیاده‌شدن از اتوبوس متوجه شدم این زن کیفم را با تیغ بریده و سعی کرده سرقت کند.» رییس کلانتری نامجو بیان کرد: «متهم بعد از انتقال به کلانتری تحت‌بازجویی قرار گرفت و ضمن اعتراف به سرقت از شاکی به چندین فقره سرقت و جیب‌بری در ایستگاه‌های بی‌آرتی اقرار کرد و پس از تکمیل پرونده راهی دادسرا شد.»

قضات دادگاه کیفری استان تهران به پرونده رسیدگی می‌کنند

قتل مادرزن به دلیل اختلاف با همسر

شرق: مردی که برای کمک‌گرفتن از مادرهمسرش به خانه او رفت، این زن را با ضربات متعدد چاقو به قتل رساند. این مرد به‌زودی پای میز محاکمه می‌رود.

به گزارش خبرنگار ما، مردی جوان نوروز سال‌جاری به ماموران خبر داد عمه‌اش در خانه به قتل رسیده و به نظر می‌رسد او قربانی سرقت شده است. وقتی کارآگاهان جنایی شهرستان بهارستان واقع در غرب استان تهران به محل حادثه رفتند، متوجه شدند مقتول زنی میانسال به نام محبوبه است که ساعت‌ها از مرگ او می‌گذرد و عامل قتل با حمله به قربانی بعد از اینکه او را مجروح کرده سر از تنش جدا و با سرقت اموال این زن خانه را ترک کرده است. قفل‌ها شکسته‌شده و خانه کاملا هم ریخته بود و ظواهر نشان می‌داد این زن قربانی سرقت شده است. اعضای خانواده محبوبه از جمله دختران و دامادهایش مورد بازجویی قرار گرفتند. گفته‌های سارا - دختر ملیحه- نشان داد او و شوهرش کامران از مدتی قبل با هم درگیری داشتند و اختلاف آنها به حدی بود که می‌خواستند از هم جدا شوند. بنابراین فرضیه نقش داشتن کامران در این قتل توسط ماموران مطرح شد هرچند مرد جوان ابتدا منکر هرگونه اطلاع داشتن از نحوه قتل مادرزنش شد اما زمانی که توسط ماموران مورد سوالات پی‌درپی قرار گرفت، نتوانست جواب قانع‌کننده‌ای بدهد و سرانجام مجبور به اعتراف شد. او گفت: «مدت‌ها بود با همسرم مشکل داشتم و او دیگر مرا به‌عنوان شوهر خود نمی‌دانست. همسرم قبل از من دوبار ازدواج کرده بود. شوهر اولش به‌دلیل سرطان فوت شده بود و شوهر دومش هم مردی دایم‌الخمر بود که به‌خاطر جرایمی که مرتکب شده بود ۱۱سال در زندان ماند. ما چندسال قبل با هم ازدواج کردیم. عاشق سارا شده بودم. او زن زیبا و دوست‌داشتنی بود.

عکس: شرق

به خاطر مشکلاتی که پیدا کردیم مجبور شدم خانه و ماشینم را بفروشم و بعد هم برای تامین هزینه‌های زندگی یک کلیه‌ام را فروختم. به هر سختی بود هزینه زندگی‌ام را تامین می‌کردم. من و سارا دو پسر داشتیم اما چندسالی بود که سارا دیگر به من توجهی نمی‌کرد. اتاقش را از من جدا کرده بود، می‌گفت دوست ندارد پیش من باشد.»

متهم ادامه داد: «هرچه سارا بیشتر از من دوری می‌کرد بیشتر می‌فهمیدم دوستش دارم و می‌خواهم با او باشم. تا اینکه مساله جدایی را مطرح کرد و حتی دادخواست طلاق هم داد، مقاومت کردم چون زنم را دوست داشتم. گفتم نمی‌خواهم بدون تو زندگی کنم. سارا را راضی کردم که بماند اما همچنان از من تمکین نمی‌کرد. شب قبل از حادثه او یکی از دوستانش را به خانه ما آورد بعد از اینکه زن جوان رفت سارا به من گفت به‌نظرت چطور زنی است. گفتم زن خوبی است. بعد از خانه خارج شد و شب دیر وقت دوباره برگشت؛ از سارا پرسیدم کجا بودی، جواب داد با دوستم صحبت کردم که با تو ازدواج کند. او زن خوبی است. اگر با او ازدواج کنی، هم تو راحت می‌شوی و می‌توانی زندگی عادی داشته باشی و هم من راحت می‌شوم و دیگر نگران این نیستیم که درگیر شویم. قبول نکردم چون می‌دانستم سارا می‌خواهد با این کارش کم‌کم از زندگی من بیرون برود. روز بعد خودم صبحانه آماده کردم و خوردم. زنم آنقدر از من دور شده بود که حتی حاضر نبود سر یک میز با من صبحانه بخورد. برای اینکه درباره مشکلم با مادر سارا صحبت کنم به خانه‌اش رفتم؛ چون صبح زود بود او هنوز رختخوابش را هم جمع نکرده بود. من وارد خانه شدم و به او گفتم با سارا مشکل دارم و او می‌خواهد برای من زن بگیرد. اول ناراحت شد و گفت کار دخترش اشتباه است حتی او را نفرین کرد اما وقتی من گفتم خانه و زندگی و حتی جسمم را به‌خاطر دخترت به حراج گذاشتم و حالا او حق ندارد با من چنین کند عصبانی شد و فحاشی کرد. درگیری ما شدت گرفت. من که از خود بی‌خود شده بودم با چاقو چند ضربه به او زدم، خون زیادی از بدنش رفته بود، داشت زجر می‌کشید، از من خواست کار را تمام کنم، من هم برای اینکه بیشتر از این اذیت نشود سر از تنش جدا کردم. متهم یک‌بار دیگر نزد بازپرس اظهاراتش را تکرار کرد و گفت: «برای اینکه انگیزه قتل، سرقت به‌نظر بیاید قفل در خانه را شکستم، همه‌جا را بهم ریختم و هرچه پول بود برداشتم.»

کامران بعد از اعترافاتش صحنه قتل را نیز بازسازی کرد و پرونده با توجه به شکایت اولیای‌دم و درخواست قصاص از سوی آنها به شعبه۱۱۳ دادگاه کیفری‌استان تهران فرستاده شد. متهم به‌زودی پای میز محاکمه می‌رود.

رابطه پنهانی خواهر، انگیزه ۲برادر برای جنایت

شرق: دوبرادر که به دلیل علاقه خواهرشان به مردی جوان و برقراری رابطه پنهانی، او را به قتل رسانده‌اند، به‌زودی در دادگاه کیفری‌استان تهران محاکمه می‌شوند. به گزارش خبرنگار ما، مادر دختری ۳۰ساله به نام رکسانا، سه‌سال قبل به پلیس خبر داد دخترش جان باخته است. وقتی ماموران برای بررسی صحنه به محل حادثه رفتند این زن مدعی شد دخترش بیماری لاعلاجی داشته و به همین دلیل فوت شده است. او گفت: «دخترم تحت‌نظر پزشک بود و ما می‌دانستیم بالاخره این بیماری کار دستش می‌دهد اما نمی‌توانستیم کاری بکنیم و من اطمینان دارم به همین دلیل فوت شده است.» اصرار این زن مبنی‌بر اینکه دخترش به مرگ طبیعی جان باخته است به‌نظر ماموران غیرطبیعی آمد و به دستور بازپرس جسد به پزشکی‌قانونی انتقال یافت. همچنین افرادی که زمان مرگ رکسانا در خانه بودند مورد بازجویی قرار گرفتند. برادران و خواهران رکسانا نیز ادعای مادرشان را تایید کردند و گفتند خواهرشان به دلیل بیماری‌ای که به آن مبتلا بود جانش را از دست داد اما نظریه پزشکی‌قانونی خلاف این گفته‌ها را ثابت کرد. متخصصان بعد از انجام آزمایش‌های لازم اعلام کردند رکسانا ساعاتی قبل از مرگش به‌شدت مورد ضرب‌وجرح قرار گرفته و علت اصلی مرگش واردشدن همین ضربات است.

به این ترتیب برادران دختر جوان بازداشت شدند و سرانجام به ضرب‌وجرح خواهرشان اعتراف کردند. یکی از آنها گفت: «روز حادثه سر کار بودم که برادرم تماس گرفت و گفت باید خودم را به خانه برسانم زیرا مردی غریبه در خانه است بلافاصله رفتم. وقتی وارد اتاق خواهرم شدیم مردی جوان را دیدیم. آن مرد را به‌شدت کتک زدیم اما وقتی می‌خواستیم دست‌وپایش را ببندیم او از پنجره بیرون پرید و فرار کرد. از رکسانا پرسیدم آن مرد کیست جواب داد او را نمی‌شناسد اما وقتی گوشی تلفن‌همراه مرد فراری را پیدا کردیم متوجه شدیم او شخصی به نام حامد است که با رکسانا رابطه داشته و حتی از این رابطه فیلمبرداری هم کرده است. بعد از دیدن این فیلم به‌شدت عصبانی شدیم و خواهرمان را کتک زدیم چندساعت او را زدیم. او هم سکوت کرد و حرفی نزد. برای اینکه باید سر کار می‌رفتیم او را در اتاق رها کردیم و از خانه خارج شدیم فردای آن روز صبح زود مادرم به ما خبر داد رکسانا فوت شده است.» متهمان اظهار کردند از بیماری خواهرشان اطلاع داشتند.

آنها گفتند: «فکر نمی‌کردیم رکسانا با سیلی‌هایی که به صورتش می‌زنیم بمیرد. ما او را دوست داشتیم و راضی به مرگش نبودیم.» ماموران در ادامه تحقیقات، حامد را شناسایی و از او بازجویی کردند. مرد جوان رابطه با رکسانا را تایید کرد و گفت: «نه قصد اخاذی داشتم و نه اینکه می‌خواستم او را اذیت کنم. من رکسانا را دوست داشتم و به همین دلیل با هم رابطه داشتیم. البته من متاهل بودم و نمی‌توانستم با آن دختر ازدواج کنم اما رابطه‌مان با هم خوب بود و به رکسانا گفته بودم اگر به این نتیجه برسم که تفاهم داریم از همسرم جدا می‌شوم و با او ازدواج می‌کنم.»

بنابر این گزارش، دو برادر با صدور کیفرخواست از سوی دادستانی، به‌زودی به اتهام قتل در شعبه۷۴ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شوند. در این جلسه به اتهامات حامد نیز رسیدگی خواهد شد.

بازداشت بستگان دانش‌آموز متهم به قتل

● **شرق:** تحقیقات برای دستگیری دانش‌آموزی که به قتل معلم فیزیک دبیرستانی در بروجرد متهم است همچنان ادامه دارد. «محسن خشخاشی»، معلم فیزیک دبیرستان حافظی بروجرد روز شنبه با ضربه چاقوی دانش‌آموز خود به قتل رسید. متهم از همان روز فراری شد و تحقیقات برای دستگیری وی ادامه دارد این در حالی است که به گفته سردار قنبری، فرمانده انتظامی استان لرستان متهم ۱۵ساله است و به سن قانونی نرسیده است. رضا خشخاشی، برادر مقتول دیروز به خبرنگار ما گفت: «دیروز صبح برای پیگیری پرونده به اداره آگاهی رفتم. متهم هنوز دستگیر نشده اما پدر، پدر بزرگ و برادر بزرگتر او در بازداشت هستند. همچنین قرار است از مادر او نیز در این‌باره تحقیق شود.» این افراد به‌دلیل مشارکت در فراری‌دادن متهم تحت پیگرد قرار گرفته‌اند و تحقیقات از آنها ادامه دارد تا از این طریق ردی از متهم اصلی به دست بیاید.

عاملان ۲جنایت ارزان، در یک‌قدمی چوبه دار

شرق: حکم قصاص سه‌مرد که متهم هستند چهارنفر را در دوجنایت جداگانه به قتل رسانده‌اند در دیوانعالی کشور تایید شد و آنها در یک‌قدمی چوبه‌دار قرار گرفتند. نخستین پرونده از روز اول اسفند سال۸۶ به جریان افتاد و کارآگاهان جنایی استان فارس پس از اطلاع از مرگ سه‌عضو خانواده‌ای در یک باغ تحقیقات خود را آغاز کردند. مقتولان زن و شوهر و پسر خانواده بودند و دختر جوان توانسته بود خودش را از میان شعله‌های آتش نجات دهد. این دختر به کارآگاهان گفت: «ما در اتاق سرایداری باغ زندگی می‌کردیم؛ شب حادثه سه‌افغان به قصد سرقت وارد خانه شدند و از پدرم ۳۰هزارتومان گرفتند اما موقع فرار وقتی با مقاومت پدرم مواجه شدند خانه را به آتش کشیدند.»کارآگاهان با توجه به اظهارات دختر نجات‌یافته به چهره‌نگاری از متهمان پرداختند و توانستند دونفر از آنها را بازداشت کنند. متهمان همدست‌شان را مردی ایرانی معرفی کردند و گفتند از محل اختفای او اطلاع ندارند. آنها در بازجویی‌ها به سرقت مرگبار اعتراف کردند و درحالی‌که ردی از سومین متهم پرونده وجود نداشت کیفرخواست صادر و دو افغان در دادگاه کیفری محاکمه و به قصاص محکوم شدند اما دیوانعالی کشور رای صادره را نقض کرد. به این ترتیب متهمان برای دومین‌بار پای میز محاکمه رفتند. نماینده دادستان در این جلسه جرم هردومتهم را مشارکت در قتل اعلام کرد و دختر نجات‌یافته نیز خواستار قصاص آنها شد. او گفت: «در این حادثه پدر، مادر و برادرم را از دست دادم و خودم هم به سختی نجات یافتم. این افراد باید اعدام شوند.» وقتی نوبت به متهمان رسید تا از خودشان دفاع کنند یکی از آنها گفت: «من و دو همدستم به قصد سرقت وارد باغ شدیم اما مرد سرایدار در برابرمان مقاومت کرد. وقتی او را با سلاح تهدید کردیم، بالاخره ۳۰هزارتومان داد و گفت دیگر هیچ پولی ندارد. ما می‌خواستیم از باغ خارج شویم که اعضای این خانواده شروع به دادوفریاد کردند. همدست فراری ما در این هنگام گلوله‌ای به پدر خانواده شلیک کرد و او را کشت بعد از آن ما در خانه بنزین ریختیم، شیر گاز را باز گذاشتیم و کبریت را کشیدیم و فرار کردیم.» متهم دوم نیز همین گفته‌ها را به زبان آورد. هیات‌قضات بعد از بررسی پرونده، هر دو افغان را در ارتکاب جنایت گناهکار دانستند و به قصاص محکوم کردند که این‌بار، حکم به تایید دیوانعالی کشور رسید و آنها در آستانه مجازات قرار گرفتند. دومین پرونده از سه‌سال قبل در جریان است و متهم آن نیز مردی افغان است. خانواده جوانی به نام حمید سه‌سال قبل با مراجعه به پلیس اعلام کردند فرزندشان مفقود شده است. پلیس بعد از دریافت مشخصات حمید، تحقیقاتی را برای افشای سرنوشت او آغاز کرد تا اینکه جنازه این جوان در منطقه‌ای خارج از شهر پیدا و مشخص شد او با ضربات چاقو کشته شده است. تجسس‌های پلیسی فاش کرد مردی افغان در این جنایت دست دارد. متهم بعد از دستگیری به کشتن حمید اقرار کرد و گفت به‌دلیل بدهی ۵۰هزارتومانی دست خود را به خون آلوده کرده است. مرد افغان در حالی در دادگاه کیفری استان فارس پای میز محاکمه رفت که اولیای‌دم برای او مجازات مرگ خواسته بودند. متهم در دادگاه گفت: «حمید موتورساز بود و موتوسیکلت مرا تعمیر کرده بود به همین دلیل باید ۵۰هزارتومان به او پرداخت می‌کردم اما دستم خالی بود. حمید برای گرفتن طلبش اصرار می‌کرد تا اینکه روز حادثه وقتی پافشاری‌اش را دیدم، به او گفتم همراهم به محل سکونتم بیاید تا در آنجا از آشنایان قرض بگیرم اما وقتی به محل رسیدیم هیچ‌کس نبود. حمید شروع به دادوفریاد کرد و من هم او را با چاقو کشتم.» متهم بعد از محاکمه به قصاص محکوم شد که این رای نیز به تایید دیوانعالی کشور رسیده و برای اجرا آماده است.

رخداد

«کمک‌خلبان»، ناجی نوزاد بیمار

● **ایسنا:** «کمک‌خلبان» پرواز تهران-کرمان جان نوزاد شش‌ماهه‌ای را با اقدامی ایثارگرانه نجات داد. مهدی صفری، فرمانده یگان حفاظت هواپیمایی فرودگاه‌های کرمان گفت: متاسفانه نوزاد شش‌ماهه‌ای دچار حادثه شد و به لطف خداوند و تلاش کمک‌خلبان پرواز، شهاب شیرخوانی، این نوزاد احیا شد. شهاب شیرخوانی، کمک‌خلبان، نیز در رابطه با اتفاقات رخ‌داده در پرواز شامگاه سه‌شنبه گفت: مادر و نوزاد شش‌ماهه‌ای در پرواز مسافربری شماره۱۰۵۵ هواپیمایی ماهان تهران - کرمان حضور داشتند. نوزاد از بیماری خاصی در سیستم حنجره رنج می‌برد به‌گونه‌ای که حنجره را باز کرده و منفذ بازی روی گردن نوزاد بود و دستگاه ساکشن که باید خلط را از ریه نوزاد تخلیه کند دایما فعال بود تا نوزاد قادر به تنفس باشد و در هر۴۰دقیقه، این کار باید انجام می‌شد. این افراد به‌عنوان مسافر پذیرش‌شده بودند و همان‌گونه که می‌دانید اولین‌کسی که با این وضعیت برخورد می‌کند سرمیهماندار پرواز است که مدیریت مجموعه کابین هواپیما به عهده اوست. در این پرواز نیز خانم بهمنی، سرمیهماندار پرواز اطلاع داد چنین‌موردی وجود دارد و البته مجوز پزشکی نیز به‌همراه دارند که می‌توانند تحت‌شرایط ذکرشده پرواز کنند و ما منع‌قانونی برای حمل این مسافر نداشتیم. پس از گذشت ۴۰دقیقه از پرواز وقتی نزدیک آسمان یزد بودیم و می‌خواستیم کاهش ارتفاع را برای فرود در فرودگاه کرمان شروع کنیم، سرمیهماندار اطلاع داد نوزاد دچار مشکل تنفسی شده است و دستگاه ساکشن اتصال کامل با برق هواپیما ندارد. کمک‌خلبان ادامه داد: این اتفاق از جمله مسایل غیرقابل پیش‌بینی بود. من برای پیگیری وضعیت به کابین مسافران مراجعه کردم و دیدم تنفس نوزاد با صدای خیلی نامناسبی انجام می‌گیرد و هر لحظه تنفس وی سخت‌تر می‌شود. ابتدا سعی کردم با ماساژدادن ریه و سینه خلط را تخلیه کنم. حال نوزاد بسیار وخیم شد طوری که دست‌وپا می‌زد و نمی‌توانست نفس بکشد و مدام رنگش تغییر می‌کرد و کبودتر می‌شد. می‌دانستیم اگر این نوزاد خفه نشود، بعد از دودقیقه دچار ضایعه‌مغزی خواهد شد. تنهاچیزی که در آن لحظه به ذهنم رسید این بود که می‌توانم با مکیدن از طریق لوله دستگاه ساکشن خلط ریه نوزاد را خارج کنم. این کار را انجام دادم و وضعیت نوزاد خیلی بهتر شد. از طرف دیگر پروسه‌ای بسیار حساس و موازی با کاری که ما انجام می‌دایم، هماهنگی با سیستم زمینی و مراقبت پرواز بود که این کار توسط کاپیتان‌صداقت‌نیا انجام و اعلام شد ما با توجه به داشتن بیماری با وضعیت گفته‌شده نیاز به مراقبت‌های پزشکی در فرودگاه کرمان داریم. شیرخوانی در ادامه گفت: همکاران سپاه با توجه به اینکه بیمار یک‌نوزاد بود و باید سریع به او کمک می‌شد، هماهنگی‌های لازم را انجام دادند و به‌محض اینکه هواپیما در فرودگاه کرمان به زمین نشست، آمبولانس جلو هواپیما آماده بود. کمک‌خلبان این پرواز افزود: «جا دارد از زحمات فرمانده فرودگاه کرمان تشکر کنم. وی خیلی پیگیرانه توانست تمامی هماهنگی‌های لازم را برای این کار انجام دهد. حتی او به اختیار خودش با وجود اینکه فرمانده سپاه پاسداران کشور در پرواز بود، به گونه‌ای هماهنگ کرد که در اولین فرصت نوزاد را به پزشکان برسانیم و بعد فرمانده سپاه پاسداران را که به‌عنوان مسافر ویژه بود، پیاده کنیم.»

مرگ جوان ۲۵ساله به‌دلیل تزریق آنتی‌بیوتیک

● **خبرآنلاین:** تجویز اشتباه آنتی‌بیوتیک قوی سفتریاکسون درحالی جان پسر جوان را گرفت که بیماری او فقط سرماخوردگی جزیی بود. پدر بیمار فوت شده که وحید.ج نام داشتدر این‌باره توضیح داد: «به‌دلیل سرماخوردگی پسرم نصف‌شب به درمانگاه رفتیم. دکتر داروی سفتریاکسون به همراه چند ویتامین دیگر را در نسخه نوشت تا تهیه کنیم. من هم به دکتر اعتماد کردم و چون هیچ‌وقت در کار پزشکی دخالتی نمی‌کنم، داروها را تهیه کردم. بعد از تزریق این دارو در سِرُم، پسرم فریاد کشید که سرم دارد می‌ترکد. دکتر به همراه تزریقاتچی سرم را قطع کردند.» او ادامه داد: «بعد از اینکه سرم را قطع کردند کپسول اکسیژن را آوردند که اکسیژن آن تا دودقیقه بیشتر دوام نیاورد. پسرم همین‌طور درحال کبودشدن بود. دکتر دوباره آمپولی به او تزریق کرد و از ما خواست آرامش خود را حفظ کنیم.» این مرد افزود: «به اورژانس زنگ زدیم وقتی دیدیم اورژانس هم نیامد با ماشین خودم به همراه دکتر پسرم را به بیمارستان رساندیم. او را به بخش آی‌سی‌یو منتقل کردند اما در نهایت پسرم جان باخت.»

بریده اخبار

- ماموران پلیس مبارزه با موادمخدر یزد افزون بر یک‌کیلوو۵۰۰گرم تریاک از معده موادفروش حرفه‌ای کشف کردند.
- مرد فرانسوی که نمی‌توانست اضطراب ازدست‌دادن همسر بیمارش را تحمل کند، او را در بیمارستان به ضرب گلوله کشت و سپس خودکشی کرد.